



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال هشتم / شماره بیست و نهم / پاییز ۱۴۰۵



20.1001.1.26764830.1405.8.29.6.1

تأثیر متون مقدس اسلامی بر نهادهای علمی، حقوقی و اجتماعی تمدن اسلامی؛

رویکردی تاریخی - تمدنی

محمد معرفت^۱

چکیده

تمدن اسلامی، در بنیاد خود تمدنی متن‌محور و مبتنی بر وحی است که ساختارهای معرفتی، حقوقی و اجتماعی آن ریشه در قرآن کریم و سنت نبوی دارد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که مفاهیم بنیادین وحیانی چگونه در دوره شکل‌گیری تمدن اسلامی از سطح آموزه‌های معنوی فراتر رفته و به نهادهای اجتماعی و معرفتی تبدیل شده‌اند. برای پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر با رویکرد «هرمنوتیک متون مقدس» و با بهره‌گیری از تحلیل زبانی، سیاقی و تاریخی، به واکاوی مفاهیم کلیدی قرآن و حدیث در بستر اجتماعی صدر اسلام می‌پردازد. در این رویکرد، ابتدا مفاهیم محوری همچون علم، عدالت، شورا و تعاون بر اساس دلالت‌های متن مقدس استخراج می‌شوند؛ سپس این مفاهیم در زمینه تاریخی - اجتماعی نخستین جامعه اسلامی تفسیر می‌گردند و در گام نهایی، نقش آن‌ها در شکل‌دهی به نهادهایی مانند مراکز علمی، نظام قضات، ساختارهای آموزشی و نهادهای اجتماعی همچون وقف و زکات بررسی می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که این مفاهیم نه صرفاً آموزه‌هایی اخلاقی، بلکه عناصر نهادساز و تمدن‌ساز بوده‌اند. نتیجه پژوهش تأکید می‌کند که فهم صحیح فرایند شکل‌گیری تمدن اسلامی و بازسازی تمدن نوین اسلامی، نیازمند بازگشت روشمند و تحلیل هرمنوتیکی قرآن و سنت است.

واژه‌های کلیدی: متون مقدس اسلامی، قرآن کریم، حدیث، تمدن اسلامی، نهادهای علمی، نهادهای حقوقی، نهادهای اجتماعی.

۱. دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. m.marefat@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷ نوع مقاله: پژوهشی (۱۶۹-۱۹۳)

The Influence of Islamic Sacred Texts on the Scientific, Legal, and Social Institutions of Islamic Civilization: A Historical-Civilizational Approach

Mohammad Marefat¹

Abstract

Islamic civilization is, at its foundation, a text-centered and revelation-based civilization whose epistemic, legal, and social structures are rooted in the Holy Qur'an and the Prophetic Sunnah. The central question of this study is how fundamental revelatory concepts, during the formative period of Islamic civilization, moved beyond the level of spiritual teachings and were transformed into social and intellectual institutions. To address this question, the present research adopts the approach of "hermeneutics of sacred texts" and employs linguistic, contextual, and historical analysis to examine key Qur'anic and Hadith concepts within the social context of early Islam. In this approach, core concepts such as knowledge, justice, consultation, and cooperation are first extracted based on the semantic indications of the sacred text; then these concepts are interpreted within the historical-social context of the first Muslim community; and finally, their civilizational role in shaping institutions such as scholarly centers, the judicial system, educational structures, and social institutions like waqf and zakāt is analyzed. The findings indicate that these concepts were not merely ethical exhortations but served as institution-building and civilization-forming elements. The study concludes that a proper understanding of the formation of Islamic civilization—as well as the reconstruction of a new Islamic civilization—requires a systematic return to, and hermeneutical analysis of, the Qur'an and Sunnah.

Keywords: Islamic Sacred Texts, Quran, Hadith, Islamic Civilization, Scientific Institutions, Legal Institutions, Social Institutions.

1. Associate professor Department of Theology and Islamic Studies, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

مقدمه

تمدن اسلامی یکی از درخشان‌ترین نمودهای تاریخی پیوند دین و جامعه است که توانست در طول چند قرن، نه تنها جهان اسلام بلکه بخش وسیعی از جهان بشری را تحت تأثیر خود قرار دهد. پرسشی که ذهن بسیاری از محققان تاریخ تمدن را به خود مشغول کرده، این است که عوامل اصلی شکوفایی و پویایی این تمدن چه بوده و چه چیزی آن را از سایر تمدن‌ها متمایز ساخته است. در میان عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و فرهنگی، بی‌تردید مهم‌ترین عنصر شکل‌دهنده تمدن اسلامی، قرآن کریم و سنت نبوی و اهل بیت (ع) به‌عنوان منابع اصیل معرفتی و هدایتی مسلمانان است.

قرآن کریم از همان آغاز نزول، نه تنها به‌عنوان کتابی صرفاً عبادی یا معنوی مطرح نشد، بلکه به‌مثابه منشور جامع زندگی فردی و اجتماعی شناخته شد. این کتاب آسمانی، مسلمانان را به تفکر و تعقل فراخواند: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ»^۱ (آل عمران: ۱۹۰)، و در جای دیگر، اهل علم را برتر از ناآگاهان دانست: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ»^۲ (زمر: ۹). در پرتو این تأکید، نهادهای علمی همچون مساجد، مدارس نظامیه و بیت‌الحکمه در جهان اسلام شکل گرفتند و قرون متمادی، خاستگاه علوم عقلی و نقلی شدند (دهقانی و همکاران، ۱۴۰۴: ۳۱-۱۰؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۲: ۴۶-۴۰).

در حوزه حقوقی و قضایی نیز قرآن کریم، عدالت را به‌عنوان اصل بنیادین معرفی کرد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»^۳ (نحل: ۹۰). پیامبر اکرم (ص) در سخنی مشهور فرمود: «الْقَضَاءُ أَرْبَعَةٌ: ثَلَاثَةٌ فِي النَّارِ وَوَاحِدٌ فِي الْجَنَّةِ»^۴ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴؛ ابوداود، ۱۴۲۰، ج ۳: ۲۸۸)، که نشان‌دهنده اهمیت رعایت عدالت در نهاد قضاوت است. بر همین اساس، نهادهای حقوقی اسلامی، اعم از دستگاه

۱. مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌هایی [از قدرت، علم و حکمت خدا] برای صاحبان عقل و خرد است.

۲. آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان یادآور می‌شوند!

۳. به یقین، خداوند به عدل، احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد.

۴. قاضی‌ها چهار گروهند: سه گروه در آتش و یک گروه در بهشت باشد.

قضاوت و نظام فقهی مذاهب، به عنوان یکی از ارکان تمدنی در جهان اسلام پدید آمدند (ابوزهره، ۱۹۹۶: ۴۵).

از سوی دیگر، قرآن و سنت بر همبستگی اجتماعی و تعاون امت اسلامی تأکید فراوان داشتند. آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۱ (حجرات: ۱۰) و حدیث پیامبر اکرم (ص) «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۲ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶۳)، نشان می دهند که اسلام، پیوندهای اجتماعی و مسئولیت متقابل میان مؤمنان را بنیان گذاشت. همین آموزه ها موجب شکل گیری نهادهایی چون وقف، نظام زکات و صدقات و سازمان های خیریه در تمدن اسلامی شدند که به تداوم حیات اجتماعی و فرهنگی این تمدن کمک کردند (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۰: ۴۰۱؛ الهامی و سلطانی، ۱۳۹۸: ۱۴۶-۱۲۸).

از منظر الهیاتی، می توان گفت که تمدن اسلامی اساساً تمدنی است وحی محور که متون مقدس، نقشه راه آن را ترسیم کرده اند. در حالی که بسیاری از تمدن ها بر پایه عقلانیت ابزاری یا عوامل مادی شکل گرفته اند، تمدن اسلامی بر اساس پیوند الهیات با اجتماع و اتصال معرفت انسانی به وحی الهی بنا شد. سیدحسین نصر به درستی تأکید می کند که اگر علم در تمدن اسلامی درخشان شد، به دلیل آن بود که در چارچوب جهان بینی قرآنی و با محوریت توحید سامان یافت (Nasr, 1968: 43).

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر بر آن است که با رویکردی تحلیلی - الهیاتی و با استناد به قرآن کریم، احادیث معتبر و منابع تاریخی و تمدنی، به بررسی و تحلیل نقش متون مقدس در شکل گیری ارکان تمدن اسلامی بپردازد. این پژوهش تلاش دارد نشان دهد که تمدن اسلامی، در ذات خود تمدنی و حیانی است و بدون فهم عمیق قرآن و حدیث، امکان تبیین دقیق و جامع آن وجود ندارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در تحلیل نقش متون مقدس اسلامی در شکل گیری نهادهای تمدنی، بر روش هرمنوتیک متون مقدس استوار است؛ روشی که به جای برخورد سطحی با آیات و روایات، بر فهم لایه های معنایی، زمینه های تاریخی و نسبت میان متن، مفسر و بستر تمدنی تأکید می کند. هرمنوتیک در معنای کلاسیک،

۱. جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند.

۲. هرکس صبح کند و توجهی به کارهای مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست.

«فهم درست متن» است و در مطالعات دینی، به طور خاص به «فهم پیام الهی در افق تاریخی و زبانی مخاطبان» مربوط می شود (Palmer, 1969: 13-17).

۱. مبانی نظری هرمنوتیک در فهم متون مقدس

هرمنوتیک در سنت جدید با آراء شلایرماخر، دیلتای، گادامر و ریکور تکامل یافت. شلایرماخر بر «بازسازی قصد مؤلف» تأکید داشت و فهم متن را محصول ترکیب روش زبانی و روان‌شناختی می‌دانست (Schleiermacher, 1998: 35). دیلتای، این رویکرد را در قلمرو علوم انسانی گسترش داد و فهم متون دینی را در پیوند با «تجربه زیسته مؤمنان» قرار داد (Dilthey, 1989: 112). گادامر با نظریه «امتزاج افق‌ها» نشان داد که فهم متن مقدس تنها با انتقال مکانیکی معنای اولیه ممکن نیست؛ بلکه افق تاریخی متن و افق تاریخی مفسر باید در گفت‌وگویی پویا به هم برسند (Gadamer, 1975: 269). ریکور نیز با طرح «هرمنوتیک نمادها» تأکید کرد که متون مقدس حاوی لایه‌های معنایی متکثرند و نیازمند تحلیل نظام‌مند مفاهیم کلیدی‌اند (Ricoeur, 1974: 45). این مبانی نظری، در پژوهش حاضر به عنوان چارچوب کلی تحلیل قرآن و حدیث به کار گرفته شده است.

۲. هرمنوتیک اسلامی و امکان فهم تمدنی متون مقدس

مطالعات مسلمانان درباره تأویل، فهم مقاصد و تحلیل نظم معنایی قرآن، سابقه‌ای طولانی دارد؛ از جمله آثار فارابی، غزالی، فخررازی، علامه طباطبایی و نیز پژوهش‌های معاصر مانند ایزوتسو. ایزوتسو با روش «تحلیل مفهومی - معنایی» نشان داد که مفاهیم قرآنی در پیوند با شبکه‌ای از معانی، جهان‌بینی خاصی را سامان می‌دهند (Izutsu, 1964: 14-21).

از منظر روش‌شناختی، این رویکرد با هرمنوتیک جدید هم‌خوان است؛ زیرا متن مقدس را نه مجموعه‌ای از گزاره‌های منفک، بلکه دستگاهی معنایی می‌داند که قادر است «ساخت تمدنی» ایجاد کند. همچنین متفکرانی مانند نصر تأکید کرده‌اند که تمدن اسلامی، محصول «جهان‌بینی قرآنی» است و فهم این جهان‌بینی تنها از طریق رویکردی هرمنوتیکی ممکن است که میان سنت، عقل و تاریخ پیوند برقرار کند (Nasr, 1968: 40-48).

۳. اصول عملی هرمنوتیک در این پژوهش

در پژوهش حاضر، تحلیل متون مقدس بر اساس سه اصل هرمنوتیکی انجام شده است:

ا. اصل زمینه‌مندی (Contextuality)

هر آیه یا روایت در بستر تاریخی - اجتماعی خاصی نازل یا صادر شده است؛ برای مثال، مفاهیم «علم»، «عدل»، «شورا» یا «انفاق» تنها در سطح لغوی تحلیل نشده، بلکه در زمینه‌های اجتماعی صدر اسلام و کارکردهای تمدنی آن بررسی می‌شود. این اصل در هرمنوتیک ریکور و نیز در روش «سیاق و اسباب‌النزول» در مطالعات اسلامی مشترک است (Ricoeur, 1974: 97) (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷: ۲۴۳).

ب. اصل شبکه معنایی (Semantic Field)

بر اساس رویکرد ایزوتسو، مفاهیم کلیدی قرآن دارای میدان معنایی‌اند و معنا در نسبت میان مفاهیم ظاهر می‌شود (Izutsu, 1964: 22). بدین سبب، مفاهیم بنیادین مورد بررسی در این تحقیق - مانند علم، عدالت و اخوت - در پیوند با مفاهیم مکمل (هدایت، تقوا، مسئولیت اجتماعی، امانت و...) تحلیل می‌شوند تا کارکرد تمدنی آن‌ها روشن گردد.

ج. اصل امتزاج افق‌ها (Fusion of Horizons)

فهم تمدنی قرآن، تنها با امتزاج افق تاریخی صدر اسلام با افق دانشی معاصر ممکن است (Gadamer, 1975: 306). بدین معنا که: نخست معانی اصیل نص و حیانی در بستر تاریخی آن فهم می‌شود؛ سپس این معانی با پرسش‌های تمدنی امروز نسبت‌سنجی می‌شوند. این اصل امکان می‌دهد تا متن مقدس نه یک داده تاریخی، بلکه «منبعی برای نظریه تمدن» تلقی شود.

۴. چرایی کارآمدی هرمنوتیک برای مطالعه تمدن اسلامی

بررسی نقش متون مقدس در تمدن‌سازی، صرفاً با نقل گزاره‌های دینی ممکن نیست؛ زیرا تمدن، محصول مجموعه‌ای از معناها، نهادها و ساختارهای تاریخی است. هرمنوتیک امکان می‌دهد که:

۱. متون مقدس از سطح نص به سطح «دلالت‌های تمدنی» ارتقا یابند؛

۲. نسبت میان آموزه‌های وحیانی و نهادهای علمی و حقوقی استخراج شود؛
۳. نقادی دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه‌ای که نقش دین را صرفاً اخلاقی یا عبادی می‌دانند، ممکن شود (Arkoun, 1994: 55).

بدین‌سان، هرمنوتیک در حکم «پل ارتباطی» میان متن مقدس و جهان تاریخی تمدن اسلامی عمل می‌کند.

۵. مراحل تحلیل هرمنوتیکی در این مقاله

پژوهش بر اساس یک الگوی سه‌مرحله‌ای پیش می‌رود که ریشه در هرمنوتیک کلاسیک و تحلیل مفهومی اسلامی دارد:

مرحله نخست: استخراج مفاهیم وحیانی

آیات و روایات مرتبط با سه حوزه تمدنی-علم، عدالت و اجتماع-گردآوری و دسته‌بندی می‌شود. این مرحله با روش «تحلیل واژگانی-مفهومی» ایزوتسو و با مراجعه به منابع معتبر حدیثی انجام شده است (Izutsu, 1964: 58) (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۶۳؛ مسلم، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۵؛ برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۲۵).

مرحله دوم: تفسیر مفاهیم در بستر تمدنی

در این مرحله، مفاهیم یادشده با شرایط اجتماعی صدر اسلام، سیره پیامبر (ص) و شکل‌گیری نهادهای اولیه تمدنی تطبیق داده می‌شود.

برای نمونه، مفهوم عدالت با ساختار قضاوت اسلامی، یا مفهوم علم با شکل‌گیری دارالعلم‌ها و مدارس نظامیه سنجیده می‌شود (زرین‌کوب، ۱۳۸۲: ۲۶) (Hodgson, 1974: 112).

مرحله سوم: تحلیل کارکردی-نهادی

در این مرحله، آموزه‌های وحیانی در ارتباط با نهادهای تمدنی تحلیل می‌شود تا مشخص گردد که چگونه نصوص مقدس، مبانی و ساختارهای تمدنی را تولید کرده‌اند. این بخش بر روش تحلیل اجتماعی تمدن

نزد آیزنشتاد و نیز الگوی کارکردگرایانه وبر تکیه دارد (Weber, 1978: 118; Eisenstadt, 2002: 45-52).

۶. منابع داده‌ها و معیار اعتبار

منبع اصلی داده‌ها شامل قرآن کریم و مجموعه‌ای از منابع درجه اول حدیثی همچون الکافی، نهج البلاغه، صحیح مسلم و سنن ابن‌ماجه است. منابع ثانویه شامل آثار مشهور در تاریخ تمدن اسلامی نظیر زرین‌کوب (۱۳۸۲)، زیدان (۱۳۷۲)، نصر (۱۹۶۸) و مدرسی (۲۰۰۳) است. در انتخاب منابع حدیثی، تنها به منابعی استناد شده که نزد محققان شیعه و سنی از اعتبار روایی برخوردارند.

۷. جایگاه این روش در بدنه مقاله

پس از تبیین این چارچوب روش‌شناختی، تحلیل تاریخی-تمدنی نهادهای علمی، حقوقی و اجتماعی در بدنه مقاله، بر اساس همین الگوی هرمنوتیکی سه مرحله‌ای سامان می‌یابد؛ بدین معنا که: ابتدا متن مقدس تحلیل می‌شود؛ سپس زمینه تاریخی آن توضیح داده می‌شود و در نهایت نهاد تمدنی متناظر شناسایی و تحلیل می‌شود. این ساختار امکان می‌دهد مقاله بر پایه یک روش واحد منسجم ادامه یابد.

پیشینه پژوهش

مطالعه تمدن اسلامی و بررسی عوامل پیدایش و شکوفایی آن، یکی از مهم‌ترین محورهای پژوهشی در تاریخ‌نگاری اسلامی و نیز مطالعات میان‌رشته‌ای دین و تمدن است. محققان در طول یک قرن گذشته از منظرهای گوناگون به این موضوع پرداخته‌اند؛ برخی بیشتر بر عوامل سیاسی و اجتماعی تأکید کرده‌اند (زیدان، ۱۳۷۲، ج ۱: ۵-۱)، برخی بر عوامل معرفتی و علمی تمرکز نموده‌اند (Nasr, 1968: 23) (زرین‌کوب، ۱۳۸۲: ۱۱ و ۲۶)، و برخی نیز نقش الهیات و متون مقدس را در شکل‌گیری این تمدن مورد بررسی قرار داده‌اند (Esposito, 1999: 61). در این بخش، پیشینه پژوهش در سه محور اصلی دسته‌بندی و تحلیل می‌شود:

۱. پژوهش‌های تاریخی-اجتماعی در باب تمدن اسلامی

از نخستین آثار در این حوزه می‌توان به جرجی زیدان در کتاب تاریخ تمدن اسلام اشاره کرد. وی ضمن روایت تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام، بیشتر بر نقش فتوحات، ساختار حکومتی و تعاملات فرهنگی تأکید دارد و به متون مقدس صرفاً در حد زمینه‌ساز معنوی تمدن می‌پردازد (زیدان، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۲). در همین راستا، مارشال هاجسن در اثر ماندگار خود کتاب ماجرای اسلام با نگاهی تمدنی، اسلام را نه تنها یک دین بلکه یک «تمدن جهانی» معرفی می‌کند. او سهم قرآن و حدیث را در ایجاد هویت فرهنگی مسلمانان مهم می‌داند؛ اما بیشترین توجه او به ساختارهای اجتماعی و اقتصادی است (Hodgson, 1974: 71). همچنین جورج مک‌دیسی^۱ در کتاب پیدایش نهادهای آموزشی در اسلام و غرب^۲ نشان داد که مدارس نظامیه و نهادهای آموزشی در جهان اسلام بیش از هر چیز تحت تأثیر نیازهای اجتماعی و سیاسی حکومت عباسیان بوده‌اند، هرچند آموزه‌های قرآنی و حدیثی بستر معرفتی آن را فراهم کردند (Makdisi, 1981: 29).

۲. پژوهش‌های معرفتی و علمی

در حوزه علوم و دانش‌ها، سیدحسین نصر در کتاب علم و تمدن در اسلام به‌طور گسترده تأکید می‌کند که علوم اسلامی، از ریاضیات و نجوم گرفته تا پزشکی و فلسفه، در چارچوب جهان‌بینی قرآنی و توحیدی توسعه یافتند (Nasr, 1968: 41). او معتقد است که بدون درک پیوند عمیق میان وحی و معرفت، فهم شکوفایی علمی مسلمانان ناقص خواهد بود. از سوی دیگر، عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب کارنامه اسلام ضمن بررسی دوره شکوفایی علمی مسلمانان، به اهمیت آیات قرآنی در ترغیب به تفکر و علم‌آموزی اشاره می‌کند و آن را یکی از مهم‌ترین محرک‌های نهادهای علمی در تمدن اسلامی می‌داند (زرین‌کوب، ۱۳۸۲: ۲۶).

در مطالعات غربی، جورج صبرا و توماس آرنولد نیز در آثار خود به پیوند علم و دین در تمدن اسلامی اشاره کرده‌اند، هرچند گاه تأکید بیش‌ازحد بر ترجمه آثار یونانی داشته‌اند و نقش قرآن و حدیث را در حد الهام‌بخشی تقلیل داده‌اند (Arnold, 1965a: 112; Sabra, 2002: 9).

1. George Makdisi.

2. The Rise of Colleges: Institutions of Learning in Islam and the West.

۳. پژوهش‌های الهیاتی و قرآنی

در حوزه مطالعات الهیاتی، پژوهش‌هایی وجود دارد که به‌طور مستقیم نقش متون مقدس را در تمدن اسلامی بررسی کرده‌اند؛ برای نمونه، جان اسپوزیتو^۱ در کتاب اسلام؛ راه راست^۲ بر این نکته تأکید می‌کند که قرآن و سنت، چارچوب فکری و اخلاقی لازم برای شکل‌گیری تمدن اسلامی را فراهم کردند و این چارچوب در تمام نهادهای اجتماعی و حقوقی انعکاس یافت (Esposito, 1999: 65).

در جهان اسلام نیز اندیشمندانی همچون استاد مرتضی مطهری در آثار خود، قرآن و حدیث را عامل اصلی پویایی تمدن اسلامی دانسته و تصریح کرده‌اند که تمدن اسلامی «تمدنی وحی‌محور» است که ارزش‌های خود را از متون مقدس گرفته است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۱۷-۲۱۳). از منظر علوم قرآنی، پژوهش‌هایی همچون التمهید فی علوم القرآن اثر علامه محمدهادی معرفت، نشان داده‌اند که بسیاری از آموزه‌های اجتماعی و حقوقی تمدن اسلامی، ریشه مستقیم در آیات قرآنی دارند و بدون درک این پیوند، تحلیل تمدن اسلامی ناقص خواهد بود (معرفت، ۱۴۳۲، ج ۶: ۱۳).

جمع‌بندی پیشنهادی

بررسی پیشنهادی نشان می‌دهد که:

۱. بسیاری از پژوهش‌ها بر عوامل بیرونی (سیاست، اقتصاد و فرهنگ) تأکید کرده‌اند (زیدان، هاجسن و مکدسی).
۲. برخی بر جنبه معرفتی و علمی تمدن اسلامی و پیوند آن با جهان‌بینی اسلامی تمرکز داشته‌اند (نصر، زرین‌کوب و صبرا).
۳. اما پژوهش‌هایی که به‌طور مستقیم و منسجم، نقش قرآن و حدیث در شکل‌گیری نهادهای تمدنی (علمی، حقوقی و اجتماعی) را بررسی کرده باشند، بسیار محدودند.

1. The Venture of Islam.

2. John Louis Esposito.

از این رو، وجه تمایز پژوهش حاضر در این است که با تمرکز ویژه بر متون مقدس و با تحلیل تطبیقی سه عرصه اصلی تمدنی، تلاش دارد شکاف موجود در ادبیات پژوهش را پوشش دهد و تصویری جامع‌تر از ماهیت و حیانی تمدن اسلامی ارائه کند.

نواوری پژوهش

با توجه به مرور پیشینه پژوهش روشن شد که تحقیقات انجام شده درباره تمدن اسلامی، هرچند ارزشمند و تأثیرگذارند، اما یا بر عوامل بیرونی چون سیاست، اقتصاد و فتوحات تأکید کرده‌اند، یا به نقش فلسفه و علوم یونانی در تمدن‌سازی پرداخته‌اند. تنها تعداد محدودی از پژوهش‌ها به صورت مستقیم به جایگاه متون مقدس در شکل‌دهی تمدن اسلامی پرداخته‌اند و حتی در این دسته از پژوهش‌ها نیز تحلیل‌ها غالباً به بیان کلیات محدود شده و از بررسی عمیق کارکردهای عینی قرآن و حدیث در نهادهای تمدنی غفلت شده است (Hodgson, 1974: 72; Nasr, 1968: 44). نواوری این پژوهش در چند محور اصلی قابل توضیح است:

۱. تمرکز ویژه بر متون مقدس به عنوان منبع تمدنی

در این تحقیق، قرآن و حدیث نه صرفاً به عنوان متونی دینی یا منابع الهام اخلاقی، بلکه به عنوان منابع تمدن‌ساز مطالعه شده‌اند. بدین معنا که بررسی می‌شود چگونه تعالیم و حیانی به‌طور مستقیم بر شکل‌گیری نهادهای علمی (مدارس و کتابخانه‌ها)، حقوقی (قضاوت و قانون‌گذاری)، و اجتماعی (وقف و تعاون) اثر گذاشته‌اند. این نگاه، برخلاف بسیاری از مطالعات تمدنی که بر نقش عوامل بیرونی یا تأثیرات فلسفه یونان تکیه دارند، در پی نشان دادن پیوند ارگانیک میان وحی و تمدن است (Esposito, 1999: 68).

۲. رویکرد میان‌رشته‌ای در تحلیل

نواوری دیگر پژوهش، استفاده از رویکرد میان‌رشته‌ای است. در این مقاله، روش‌های تاریخ‌نگاری تمدن، تحلیل گفتمان دینی و جامعه‌شناسی معرفت به‌طور تلفیقی به کار گرفته شده‌اند تا تصویری جامع‌تر از موضوع به دست آید (Makdisi, 1981: 35؛ مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۲۲-۲۲۰). این

تلفیق میان تاریخ تمدن اسلامی، علوم قرآنی و حدیثی، و علوم اجتماعی در کمتر پژوهشی به شکل نظام‌مند دیده می‌شود.

۳. تحلیل نهادی و کارکردی

بیشتر آثار پیشین به ذکر دستاوردهای کلی تمدن اسلامی بسنده کرده‌اند؛ درحالی‌که پژوهش حاضر با رویکرد نهادی - کارکردی نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم قرآنی همچون «علم»، «عدل»، «شورا» و «انفاق» در قالب نهادهای اجتماعی عینیت یافتند؛ برای نمونه، نهاد وقف نه صرفاً پدیده‌ای اقتصادی بلکه تجلی آموزه‌های قرآنی در حوزه تعاون و انفاق است؛ همچنین نظام قضاوت در تمدن اسلامی جلوه‌ای عینی از تعالیم قرآنی در باب عدالت به شمار می‌آید (زرین‌کوب، ۱۳۸۲: ۴۲ و ۱۴۵؛ Sabra, 2002: 13).

۴. نقد و بازخوانی رویکردهای رایج

از دیگر وجوه نوآوری این تحقیق، نقد دیدگاه‌های رایج غربی است که تمدن اسلامی را بیش از حد به تأثیرپذیری از یونان و روم فروکاسته‌اند (Arnold, 1965a: 115; Hodgson, 1974: 80). در این پژوهش نشان داده می‌شود که اگرچه مسلمانان از میراث علمی دیگر تمدن‌ها بهره بردند، اما چارچوب اصلی و روح حاکم بر تمدن اسلامی از متون وحیانی سرچشمه گرفت. این بازخوانی می‌تواند افق‌های تازه‌ای را در مطالعات تمدنی اسلامی بگشاید و سهم واقعی قرآن و حدیث را برجسته سازد.

۵. ارائه الگویی برای مطالعات تمدن‌سازی معاصر

نوآوری نهایی پژوهش، پیوند آن با مسائل معاصر است. برخلاف بسیاری از پژوهش‌های تاریخی که صرفاً جنبه توصیفی دارند، این تحقیق با تحلیل تجربیات تمدنی گذشته، الگویی برای تمدن‌سازی نوین اسلامی ارائه می‌کند. تبیین نقش متون مقدس در تمدن گذشته می‌تواند مبنای بازاندیشی در نقش قرآن و حدیث در تمدن‌سازی امروز و فردای امت اسلامی باشد (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۷۳؛ Esposito, 1999: 71)؛ مسأله‌ای که بویژه در گفتمان‌های معاصر تمدن‌سازی اسلامی اهمیت بنیادین یافته است.

جمع‌بندی نوآوری پژوهش

بنابراین، نوآوری اصلی این تحقیق در آن است که با تمرکز ویژه بر متون مقدس و با بهره‌گیری از رویکرد میان‌رشته‌ای و کارکردی، نقش مستقیم قرآن و حدیث را در پیدایش نهادهای تمدنی اسلامی تبیین می‌کند؛ رویکردی که تاکنون کمتر به‌طور جامع و نظام‌مند در ادبیات پژوهش دنبال شده است. افزون بر این، این تحقیق در سطح نظری، سهم متون وحیانی در تمدن اسلامی را بازخوانی و تثبیت می‌کند و در سطح کاربردی، چشم‌اندازی برای تمدن‌سازی نوین اسلامی ارائه می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

بر اساس تحلیل داده‌های قرآنی، حدیثی و تاریخی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قرآن و حدیث به‌عنوان بنیان‌های وحیانی تمدن اسلامی، نقش مستقیم و چندلایه‌ای در شکل‌گیری و تحکیم نهادهای تمدنی ایفا کرده‌اند. این یافته‌ها را می‌توان در سه حوزه اصلی علمی، حقوقی و اجتماعی دسته‌بندی کرد.

۱. یافته‌ها در حوزه نهادهای علمی

أ. تشویق گسترده قرآن به علم‌آموزی: آیات متعددی همچون «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»^۱ (طه: ۱۱۴) و «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»^۲ (مجادله: ۱۱) نشان‌دهنده جایگاه بنیادین دانش و دانشمندان در جهان‌بینی قرآنی است. این آموزه‌ها زمینه‌ای فرهنگی فراهم آورد که علم به‌عنوان ارزش محوری تمدن اسلامی تثبیت شود (Nasr, 1968: 44) (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۱۳۵).

ب. احادیث نبوی و اهل‌بیت (ع) در ترویج علم: پیامبر اکرم (ص) فرمود: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»^۳ (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲؛ برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۲۵؛ ابن‌ماجه، ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۱۵). این حدیث به‌عنوان قاعده‌ای تمدنی، مبنای گسترش مدارس، دارالعلم‌ها و کتابخانه‌های اسلامی شد (Makdisi, 1981: 29). همچنین، کلام امام علی (ع) «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالًا بِهِ، وَ مَنْ لَمْ

۱. بگو: پروردگارا! بر علم من بیفزای.

۲. خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده [در دنیا و آخرت] درجات عظیمی می‌بخشد.

۳. تحصیل دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

يَجِدُهُ صَيِّلٌ عَلَيْهِ»^۱ (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۳۱۹) نشان‌دهنده پیوند مستقیم علم و قدرت تمدنی است.

ج. پیدایش نهادهای علمی بر اساس آموزه‌های دینی: داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که نخستین مدارس و دارالعلم‌ها با انگیزه دینی و بر اساس فرهنگ قرآنی تأسیس شدند؛ مانند بیت‌الحکمه در بغداد که نقش محوری در انتقال و توسعه علوم ایفا کرد (زرین‌کوب، ۱۳۸۲: ۳۴-۳۹؛ Gutas, 1998: 57). این یافته نشان می‌دهد که قرآن و حدیث، نه تنها علم را ارزش‌گذاری کردند بلکه بستر نهادی آن را نیز ایجاد نمودند.

۲. یافته‌ها در حوزه نهادهای حقوقی

أ. قرآن به‌عنوان منبع اصلی حقوق و عدالت: آیات قرآنی همچون «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»^۲ (نساء: ۵۸) «وَأَقِمْوْا الْوِزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَخْشَوْا سِرُّوْا الْمِيزَانَ»^۳ (رحمن: ۹) نشان می‌دهد که عدالت، نه یک مفهوم اخلاقی صرف، بلکه بنیان حقوقی و نهادی جامعه اسلامی است (Esposito, 1999: 65).

ب. احادیث در تبیین نظام قضاوت و حقوق: امام صادق (ع) فرمود: «أَيُّ قَاضٍ قَضَىٰ بَيْنَ اثْنَيْنِ فَأَخْطَأَ سَقَطَ أَبْعَدَ مِنَ السَّمَاءِ»^۴ (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۷). این حدیث بر مسئولیت خطیر قاضی در برپایی عدالت دلالت دارد. همچنین، در منابع شیعی بر محوریت «امام» یا «فقیه عادل» در قضاوت تأکید شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۶۸-۶۷).

ج. تأسیس دستگاه قضایی در تمدن اسلامی: یافته‌ها نشان می‌دهد که با الهام از قرآن و سنت، نهادی به‌نام «دیوان مظالم» و نظام قضاوت شرعی در تمدن اسلامی شکل گرفت که نمونه‌ای از تجلی متون

۱. دانش، سلطنت و قدرت است؛ هر کس آن را بیابد، با آن یورش برد و هر کس آن را از دست بدهد، بر او یورش برند.

۲. خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید.

۳. وزن را به عدالت برپا دارید و ترازو را کم مگذارید.

۴. هر قاضی که بین دو تن داوری کند و راه خطا رود، از جایی دورتر از آسمان به زمین سقوط کرده است (یعنی از درجه قرب خدا آن‌قدر دور شده که گویی جایی دورتر از آسمان به زمین فرود افتاده است).

مقدس در ساختار نهادی است (اسعدی، ۱۴۰۱: ۱۲۳-۱۲۲؛ ۱۴۰۱: ۴۸؛ Coulson, 1964: 48). این ساختار حقوقی نه تنها عدالت اجتماعی را تضمین می‌کرد، بلکه انسجام تمدنی را نیز تحکیم می‌بخشید.

۳. یافته‌ها در حوزه نهادهای اجتماعی

أ. الزامات قرآنی در تعاون و انفاق: آموزه‌های قرآنی مانند «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ»^۱ (مائده: ۲) و «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ»^۲ (بقره: ۲۷۴) مبنای شکل‌گیری نهادهای اجتماعی همچون وقف و زکات بوده‌اند (Zysow, 2002: 12).

ب. احادیث در تشویق به همیاری اجتماعی: پیامبر (ص) فرمود: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ...»^۳ (النیسابوری، ۱۴۱۲، ج ۴: ۱۹۹۹؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۷۱۵). این حدیث به‌عنوان مبنای نظریه «امت واحده» عمل کرده و همبستگی اجتماعی مسلمانان را تقویت نموده است.

ج. پیدایش نهاد وقف و خدمات اجتماعی: یافته‌های تاریخی نشان می‌دهد که سنت وقف، به‌عنوان یکی از کارآمدترین نهادهای تمدن اسلامی، مستقیماً متأثر از تعالیم قرآنی درباره انفاق و صدقه بوده است (Hoexter, 1998: 19). وقف نه تنها خدمات آموزشی و بهداشتی را تأمین کرد، بلکه یکی از مهم‌ترین عوامل پایداری تمدن اسلامی شد.

۴. یافته‌های کلان

برآیند تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که قرآن و حدیث نه تنها نظام ارزشی تمدن اسلامی را شکل دادند، بلکه ساختار نهادی آن را نیز پدید آوردند. نهادهای علمی، حقوقی و اجتماعی، به‌طور مستقیم در پرتو آموزه‌های وحیانی سامان یافتند و همین امر سبب شد تمدن اسلامی هویتی مستقل از تمدن‌های پیشین پیدا کند (Hodgson, 1974: 82). به‌عبارت دیگر، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متون مقدس، از سطح الهام‌بخشی فراتر رفته و در مقام «چارچوب نهادی تمدن» ایفای نقش کرده‌اند.

۱. در هر کار خیر و پرهیزکاری يك ديگر را ياری كنيد.

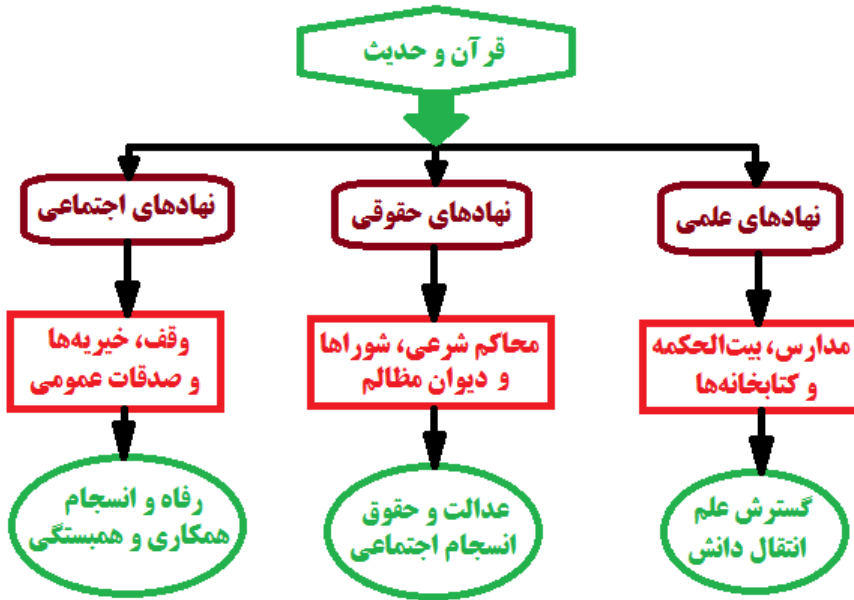
۲. کسانی که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است.

۳. مؤمنان در دوستی و مهرورزی نسبت به هم همچون يك پيكرند.

جدول مقایسه‌ای مفهومی

حوزه نهادها	آموزه‌های قرآنی و حدیثی	نهادهای شکل گرفته	نقش تمدنی
علم و دانش	«وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» و «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»	مدارس، بیت الحکمه و کتابخانه‌ها	تبیین و گسترش علم، انتقال دانش و ارتقاء منزلت علمی جامعه
حقوق و عدالت	«إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» و «أَيُّ قَاضٍ قَضَىٰ بَيْنَ اثْنَيْنِ فَأَخْطَأَ سَقَطَ أَبْعَدَ مِنَ السَّمَاءِ»	محاكم شرعی، دیوان مظالم و نظام قضایی	تأمین عدالت اجتماعی، ایجاد نظام حقوقی مبتنی بر وحی و انسجام جامعه
همبستگی و تعاون اجتماعی	«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ» و «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادِّهِمْ وَتَرَاحُجِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ»	نهاد وقف، نهادهای خیریه و صدقات عمومی	تقویت همکاری، رفاه عمومی و انسجام اجتماعی
ارزش‌های مدیریتی و حکمرانی	«وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»	شوراها و نظام اداری	مشارکت جمعی، تصمیم‌گیری عقلانی و پایداری ساختار سیاسی
انفاق و اقتصاد اجتماعی	«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أُجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ»	نظام مالی اسلامی و نهادهای اقتصادی خیریه	پایداری اقتصادی، عدالت توزیعی و تقویت سرمایه اجتماعی

نمودار مفهومی



تحلیل و بررسی

یافته‌های پژوهش نشان داد که قرآن و حدیث نه تنها به عنوان متونی دینی و اخلاقی، بلکه به مثابه چارچوب‌های تمدن‌ساز در شکل‌دهی به نهادهای علمی، حقوقی و اجتماعی نقش بنیادین ایفا کرده‌اند. در این بخش، به تفصیل و بر اساس سؤالات فرعی، به تحلیل کارکردها و تبیین ابعاد مختلف این تأثیر پرداخته می‌شود.

۱. قرآن و حدیث به عنوان زیربنای معرفتی تمدن اسلامی

سؤال فرعی نخست: قرآن و حدیث چگونه به عنوان مبنای معرفتی و ارزشی تمدن اسلامی عمل کرده‌اند؟ تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که متون مقدس، چارچوب معرفتی تمدن اسلامی را در سه سطح تعیین کرده‌اند:

ا. سطح هستی‌شناختی: قرآن کریم با تأکید بر مفاهیمی همچون «توحید» (اخلاص: ۴-۱) و «خلافت الهی انسان» (بقره: ۳۰)، جهان‌بینی خاصی را تثبیت کرد که تمدن اسلامی را از تمدن‌های مشرکانه یا سکولار متمایز ساخت (Nasr, 1968: 52؛ مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۷۷).

ب. سطح معرفت‌شناختی: آیات متعددی بر ارزش دانش تأکید دارند؛ از جمله «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ»^۱ (زمر: ۹). این آیات سبب شدند تا دانش به‌عنوان معیار منزلت اجتماعی در تمدن اسلامی مطرح گردد (Makdisi, 1981: 44).

ج. سطح ارزشی و هنجاری: قرآن و حدیث مجموعه‌ای از ارزش‌های تمدنی همچون عدالت، تعاون، شورا و کرامت انسانی را تثبیت کردند (نساء: ۵۸؛ مائده: ۲؛ شوری: ۳۸؛ اسراء: ۷۰). این ارزش‌ها به‌عنوان اصول راهنمای سیاست، اجتماع و فرهنگ عمل نمودند (Esposito, 1999: 72).

بنابراین، می‌توان گفت قرآن و حدیث، شالوده معرفتی تمدن اسلامی را همانند یک «دستگاه مفهومی - ارزشی» بنا نهادند.

۲. تأثیر قرآن و حدیث بر نهادهای علمی تمدن اسلامی

سؤال فرعی دوم: نقش آموزه‌های قرآنی و حدیثی در شکل‌گیری نهادهای علمی چه بوده است؟

ا. بنیاد نظری: قرآن در آیات متعدد، علم را با نور و جهل را با ظلمت مقایسه می‌کند (بقره: ۲۵۷؛ احزاب: ۴۳). چنین تمثیل‌هایی زمینه فرهنگی لازم برای ارج‌گذاری به دانش را فراهم کردند (زرین‌کوب، ۱۳۸۲: ۲۹ و ۳۴).

ب. مشروعیت دینی علم‌آموزی: احادیث نبوی «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ»^۲ (بیهقی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۲۵۴) و «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ»^۳ (جزائری، ۱۴۰۸، ج ۱: ۷۳) مشروعیتی جهان‌شمول به طلب علم بخشیدند. همین امر موجب شد مسلمانان هم به علوم دینی و هم به علوم عقلی - مانند ریاضیات و پزشکی - اهتمام ورزند (Gutas, 1998: 61؛ دهقانی و همکاران، ۱۴۰۴: ۳۱-۱۰).

۱. آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان یادآور می‌شوند!

۲. دانش را فرا گیرید، گرچه در چین باشد.

۳. از گهواره تا گور، دانش بجوید.

ج. نهادهای سازی علم: با الهام از این آموزه‌ها، نهادهایی مانند مسجد، مدرسه، کتابخانه، دارالعلم و بیت‌الحکمه تأسیس شدند؛ برای مثال، تأسیس «بیت‌الحکمه» در بغداد بر پایه توصیه‌های دینی درباره علم بود و نقش مهمی در انتقال و بومی‌سازی علوم یونانی داشت (Hodgson, 1974: 94; Makdisi, 1981: 52). تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بدون چارچوب و حیانی، چنین نهادهای علمی به‌صورت گسترده و مردمی شکل نمی‌گرفتند.

۳. تأثیر قرآن و حدیث بر نهادهای حقوقی تمدن اسلامی

سؤال فرعی سوم: نقش قرآن و حدیث در شکل‌گیری نظام حقوقی و قضایی تمدن اسلامی چه بوده است؟

أ. مبانی قرآنی عدالت: آیات «إِنَّ اللَّهَ يُأْمُرُ بِالْعَدْلِ»^۱ (نحل: ۹۰) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ»^۲ (نساء: ۱۳۵) بیانگر تأکید قرآن بر عدالت به‌عنوان اصل بنیادین حاکمیت است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۰۸؛ Coulson, 1964: 51).

ب. راهنمایی‌های نبوی در قضاوت: امام صادق (ص) فرمود: «رَجُلٌ قَضَىٰ بِالْحَقِّ وَهُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ»^۳ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷: ۴۰۷). این بیان نشان می‌دهد که قضاوت در سنت اسلامی شأنی قدسی و الهی دارد.

ج. ساختار حقوقی تمدن اسلامی: با الهام از قرآن و سنت، نظام‌های فقهی - چه در قالب مذاهب فقهی اهل سنت و چه در فقه امامیه - شکل گرفتند. این نظام‌ها چارچوب حقوقی تمدن اسلامی را تأمین کردند و در قالب نهادهایی چون «دیوان مظالم» و «محاکم شرعی» تجلی یافتند (Esposito, 1999: 76; Modarressi, 2003: 62).

۱. به یقین، خداوند به عدل، احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد.

۲. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پیوسته و استوار بر عدالت باشید و در گواهی دادن، عدالت را محور قرار دهید، حتی اگر به زیان خود شما یا پدر و مادرتان و نزدیکانتان باشد.

۳. کسی که دانسته حکم حق و درست را صادر کند، این قاضی در بهشت است.

تحلیل نشان می‌دهد که نظام حقوقی اسلامی نه تقلیدی از روم یا ایران، بلکه مبتنی بر متون مقدس و اصول و حیانی بود.

۴. تأثیر قرآن و حدیث بر نهادهای اجتماعی تمدن اسلامی

سؤال فرعی چهارم: آموزه‌های قرآنی و حدیثی چه نقشی در شکل‌گیری نهادهای اجتماعی ایفا کردند؟
 ا. مبانی قرآنی تعاون و انفاق: آیات «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ»^۱ (مانده: ۲) و «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»^۲ (بقره: ۴۳) نشان‌دهنده توجه قرآن به همبستگی اجتماعی و عدالت اقتصادی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۰۹؛ Zysow, 2002: 14).

ب. احادیث در باب مسئولیت اجتماعی: پیامبر (ص) فرمود: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهَا بَعْضًا»^۳ (النیسابوری، ۱۴۱۲، ج ۴: ۱۹۹۹؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۷۷۹). این روایت مبنای ایجاد شبکه‌های حمایتی اجتماعی شد.

ج. نهاد وقف و خدمات اجتماعی: سنت وقف، که از توصیه‌های قرآنی درباره صدقه جاریه (نساء: ۳۳؛ اسراء: ۲۹) الهام گرفته است، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تمدنی در تأمین آموزش، بهداشت و رفاه عمومی نقش ایفا کرد (Hoexter, 1998: 22). تحلیل نشان می‌دهد که نهادهای اجتماعی تمدن اسلامی در امتداد آموزه‌های و حیانی شکل گرفتند و عامل انسجام و پایداری تمدن بودند.

۵. بازخوانی تطبیقی و نقد دیدگاه‌های رقیب

یافته‌ها حاکی از آن است که برخلاف دیدگاه‌هایی که تمدن اسلامی را صرفاً محصول تأثیرپذیری از یونان یا ایران باستان می‌دانند (Arnold, 1965b: 118)، ساختار اصلی تمدن اسلامی بدون مبانی و حیانی قابل تبیین نیست. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که هرچند مسلمانان از علوم پیشینیان بهره بردند، اما چارچوب ارزشی، حقوقی و اجتماعی تمدن اسلامی کاملاً متکی بر قرآن و حدیث بود (Hodgson, 1974: 102; Nasr, 1968: 66).

۱. در هر کار خیر و پرهیزکاری یک‌دیگر را یاری کنید.

۲. نماز را بپا دارید، و زکات را بپردازید.

۳. مؤمن نسبت به مؤمن مانند بنای استواری است که اجزای آن، یک‌دیگر را استحکام می‌بخشند.

جمع‌بندی تحلیل

تحلیل داده‌ها نشان داد که:

۱. قرآن و حدیث زیربنای معرفتی تمدن اسلامی را در سطوح هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزشی پی‌ریزی کردند.

۲. نهادهای علمی تمدن اسلامی مستقیماً متأثر از آموزه‌های وحیانی درباره علم بودند.

۳. نظام حقوقی و قضایی اسلامی بر اساس اصول قرآنی عدالت و هدایت‌های نبوی شکل گرفت.

۴. نهادهای اجتماعی همچون وقف و زکات، ترجمان عینی آموزه‌های وحیانی در حوزه اجتماع بودند.

۵. برخلاف دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه، تمدن اسلامی بدون نقش محوری متون مقدس قابل فهم نیست.

جدول تحلیلی

سؤال فرعی پژوهش	داده‌ها / شواهد	تحلیل و تبیین	نتیجه‌گیری موقت / پیامد تمدنی
۱. قرآن و حدیث چگونه مبانی معرفتی تمدن اسلامی را شکل داده‌اند؟	آیات: نساء: ۵۸، مانده: ۲، زمر: ۹؛ حدیث: «اَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ»	آموزه‌های وحیانی جهان‌بینی، ارزش علم و عدالت را تثبیت کرده‌اند. معرفت و ارزش‌ها به نهادهای و هنجارها تبدیل شده‌اند.	پایه‌های معرفتی تمدن اسلامی بر وحی بنا شده و نهادهای علمی و اجتماعی متکی بر این بنیاد شکل گرفتند.
۲. آموزه‌های وحیانی چه نقشی در شکل‌گیری نهادهای علمی داشتند؟	مدارس، بیت‌الحکمه و کتابخانه‌ها؛ احادیث نبوی و آیات علم	آموزه‌های وحیانی مشروعیت، انگیزه و چارچوب نهادینه‌سازی علمی را فراهم کردند.	علم به‌عنوان ارزش و نهاد، در جامعه اسلامی تثبیت شد و انتقال دانش استمرار یافت.

نظام قضایی مستقل از تمدن‌های پیشین ایجاد شد و عدالت اجتماعی برقرار گردید.	آموزه‌های وحیانی معیار عدالت، مسئولیت اجتماعی و حاکمیت مشروع را فراهم کردند.	محاکم شرعی، دیوان مظالم، آیات: نحل: ۹۰، نساء: ۱۳۵؛ احادیث قضاوت	۳. قرآن و حدیث چگونه نهادهای حقوقی و قضایی را تأثیر دادند؟
انسجام اجتماعی و رفاه عمومی تقویت شد و سرمایه اجتماعی پایدار گردید.	آموزه‌های وحیانی، شبکه‌های حمایتی و همبستگی اجتماعی را ایجاد کردند.	نهاد وقف، نهادهای خیریه و صدقات عمومی؛ آیات و احادیث همکاری اجتماعی	۴. آموزه‌های وحیانی چه تأثیری بر نهادهای اجتماعی و رفاه عمومی داشت؟
مشارکت اجتماعی و پایداری سیاسی افزایش یافت و ساختار حکمرانی مستحکم شد.	اصل مشورت و تصمیم‌گیری جمعی تثبیت شد.	شوراها و ساختار اداری اسلامی؛ شوری: ۳۸	۵. آموزه‌های وحیانی چگونه به نظام مدیریتی و تصمیم‌گیری جمعی کمک کردند؟
عدالت اقتصادی تحقق یافت و سرمایه اجتماعی تقویت گردید.	آموزه‌های وحیانی، موجب ایجاد چارچوب اقتصادی مبتنی بر عدالت و پایداری منابع شد.	نهادهای مالی اسلامی، وقف، صدقات؛ بقره: ۲۷۴	۶. آموزه‌های وحیانی چه نقشی در نهادهای اقتصادی و عدالت توزیعی داشتند؟

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که قرآن کریم و احادیث معتبر نه تنها در شکل‌گیری بنیان‌های معرفتی تمدن اسلامی نقش محوری ایفا کرده‌اند، بلکه بسترهای عملی و نهادی تمدن را نیز به گونه‌ای عمیق و پایدار

تحت تأثیر قرار داده‌اند. تعالیمی همچون «علم»، «عدل»، «شورا»، «وقف» و «انفاق» صرفاً آموزه‌هایی اخلاقی یا فردی نبوده‌اند، بلکه در قالب نهادهای اجتماعی و حقوقی عینیت یافته و ساختار تمدنی جامعه اسلامی را شکل داده‌اند؛ برای مثال، تأکید قرآن بر علم و معرفت (زمر: ۹؛ مجادله: ۱۱) زمینه‌ساز پیدایش نهادهای آموزشی و علمی نظیر مدارس و بیت‌الحکمه شد. همچنین، توصیه‌های نبوی در زمینه وقف و انفاق موجب تأسیس سنت‌های اجتماعی پایدار در حوزه رفاه عمومی گردید.

از سوی دیگر، تحلیل نهادی و کارکردی پژوهش نشان داد که قرآن و حدیث نقشی فراتر از ایجاد یک «فرهنگ دینی» ایفا کردند؛ آنان با ارائه اصولی جهان‌شمول، توانستند به مبنای شکل‌گیری یک تمدن پویا و چندبُعدی بدل شوند. در نتیجه، تمدن اسلامی نه صرفاً محصول شرایط بیرونی یا اقتباس از تمدن‌های پیشین، بلکه برآمده از پیوند عمیق میان وحی و تجربه تاریخی مسلمانان بود. افزون بر این، پژوهش حاضر اهمیت بازخوانی نقش متون مقدس در شرایط معاصر را نیز آشکار ساخت. در دورانی که جوامع اسلامی به دنبال الگوهای تمدن‌سازی نوین هستند، بازگشت به قرآن و حدیث می‌تواند راهگشای بازسازی نهادهای علمی، حقوقی و اجتماعی متناسب با نیازهای امروز باشد؛ بنابراین، دستاورد اصلی این تحقیق آن است که تمدن اسلامی بدون درک و تبیین سهم بنیادین متون وحیانی قابل توضیح نیست و احیای تمدن نوین اسلامی نیز مستلزم بازاندیشی در همان سرچشمه‌های اصیل است.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه، تحقیق: صالح، صبحی. (۱۴۱۴). قم، هجرت.

ابن‌ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبة الله. (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغة لابن‌ابی‌الحدید، محقق: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفي.

ابن‌بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه، محقق: غفاری، علی‌اکبر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن‌ماجه، محمد بن یزید. (۱۴۱۸). سنن ابن‌ماجه، مصحح: معروف، بشار عواد، بیروت: دار الجیل.

ابوداود، سلیمان بن اشعث. (۱۴۲۰). سنن أبی‌داود، محقق: جمیل، صدقی محمد، بیروت: دار الفکر.

ابوزهره، محمد. (۱۹۹۶). تاریخ المذاهب الإسلامية في السياسة و العقائد و تاريخ المذاهب الفقهية، قاهره: دار الفكر العربي.

اسعدی، محمد مصطفی. (۱۴۰۱). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: نشر معارف.

الهامی، علی؛ سلطانی، خدیجه. (۱۳۹۸). «نظام‌سازی، نهادسازی و تمدن نوین اسلامی»، فصلنامه علمی علم و تمدن در اسلام، س ۱، ش ۱، صص ۱۲۸-۱۴۶.

برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱). المحاسن، محقق: محدث، جلال الدین، قم: دار الكتب الإسلامية. بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۲۱). شعب الإیمان، محقق: زغلول، ابو هاجر محمدسعید، بیروت: دار الكتب العلمية.

پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحة، تهران: دنیای دانش.

جزائری، نعمت الله بن عبدالله. (۱۴۰۸). كشف الأسرار في شرح الإستبصار، محقق: موسوی جزائری، طیب، قم: مؤسسة دار الكتاب.

دهقانی، محمد؛ عبدالملکی، کریم؛ جلالوند، مهدی. (۱۴۰۴). «کارکردهای تعامل عقل و دین در احیای تمدن اسلامی»، فصلنامه علمی علم و تمدن در اسلام، س ۶، ش ۲۴، صص ۱۰-۳۱.

DOI: 10.22034/icrs.2025.525582.1339

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۲). کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر.

زیدان، جرجی. (۱۳۷۲). تاریخ تمدن اسلام. ترجمه علی جواهرکلام. تهران: امیرکبیر.

صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴). بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلی الله علیهم، محقق: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفي.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان في تفسير القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.

عبدالعلی، فائزه؛ فضلی، زینب؛ پات، فریبا. (۱۴۰۴). «نهادهای آموزشی فاطمیان و تحولات تمدنی مغرب اسلامی»، فصلنامه علمی علم و تمدن در اسلام، س ۶، ش ۲۳، صص ۳۳-۵۴.

DOI: 10.22034/icrs.2025.523658.1335

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامية.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). مجموعه آثار، تهران: صدرا.

معرفت، محمدهادی. (۱۴۳۲). التمهيد في علوم القرآن، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية.

- النیشابوری، مسلم بن حجاج. (۱۴۱۲). صحیح مسلم، مصحح: عبدالباقی، محمد فؤاد، قاهره: دار الحدیث.
- Arkoun, M. (1994). *Rethinking Islam: Common Questions, Uncommon Answers*. Boulder, CO: Westview Press.
- Arnold, Thomas. (1965a). *The Legacy of Islam*. Oxford: Oxford University Press.
- Arnold, Thomas. (1965b). *The Preaching of Islam*. London: Constable.
- Coulson, Noel. (1964). *A History of Islamic Law*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Eisenstadt, Shmuel. (2002). *Comparative Civilizations and Multiple Modernities*. Leiden: Brill.
- Esposito, John. (1999). *Islam: The Straight Path*. Oxford: Oxford University.
- Gadamer, H.-G. (1975). *Truth and Method*. New York: Seabury Press.
- Gutas, Dimitri. (1998). *Greek Thought, Arabic Culture*. London: Routledge.
- Hodgson, Marshall. (1974). *The Venture of Islam*. Chicago: University of Chicago Press.
- Hoexter, Miriam. (1998). *Waqf Studies in the Islamic World*. Leiden: Brill.
- Izutsu, T. (1964). *God and Man in the Qur'an: Semantics of the Qur'anic Weltanschauung*. Tokyo: Keio Institute of Cultural and Linguistic Studies.
- Makdisi, George. (1981). *The Rise of Colleges: Institutions of Learning in Islam and the West*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Modarressi, Hossein. (2003). *Tradition and Survival: A Bibliographical Survey of Early Shi'ite Literature*. Oxford: Oneworld.
- Nasr, Seyyed Hossein. (1968). *Science and Civilization in Islam*. Cambridge: Harvard University Press.
- Palmer, Richard. (1969). *Hermeneutics: Interpretation Theory in Schleiermacher, Dilthey, Heidegger and Gadamer*. Evanston: Northwestern University Press.
- Ricoeur, P. (1974). *The Conflict of Interpretations: Essays in Hermeneutics*. Evanston: Northwestern University Press.
- Sabra, George. (2002). *Science and Religion in Islam: Eight Essays*. Beirut: Center for Arab Unity Studies.
- Schleiermacher, F. (1998). *Hermeneutics and Criticism and Other Writings*. Edited and translated by Andrew Bowie. Cambridge: Cambridge University Press.
- Weber, Max. (1978). *Economy and Society*. Berkeley: University of California Press.
- Zysow, Aron. (2002). "Zakat". *Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition. Leiden: Brill.